

اینک تقسیمات هریک :

فعل (که معلوم شد دلالت بر معنی دارد و شامل زمان هم
 ۱ - تقسیم فعل هست) یا خبر از چیزی است یا طلب چیزی .
 قسم اول را فعل اخباری و قسم دوم را فعل انشائی مینامند
 اما اخباری یا خبر از گذشته است یا از آینده هریک از این دو هم یا مثبت
 است یا منفی پس از ضرب دو قسم اول در دو قسم ثانی چهار قسم حاصل میشود
 به این اسامی ۱ - خبر از گذشته مثبت (ماضی) ۲ - خبر از گذشته منفی (جحد)
 ۳ - خبر از آینده مثبت (مستقبل) ۴ - خبر از آینده منفی (نفی)
 و اما انشائی یا طلب فعل است یا طلب ترك فعل یا طلب فهم چیزی :
 اول را امر دوم را نهی سوم را استفهام مینامند .
 تا این جا از تقسیم فعل به اخباری و انشائی و بیان اقسام هر يك هفت
 وجه بدست آمد :

۱ - ماضی ۲ - جحد ۳ - مستقبل ۴ - نفی ۵ - امر ۶ - نهی ۷ - استفهام .
 باید دانست که فعل چیزی است که بفاعل بستگی دارد و آن دو قسم است :
 یا برای فاعل ثابت است (و از آن جدا نمیشود) آنرا لازم میخوانیم مانند حسن :
 یعنی زیبا است او ، زیرا زیبایی چیزی نیست که از شخص تجاوز کند ، یا از فاعل
 صادر است (و از او بغیر تجاوز میکند) آنرا متعدی مینامیم مانند ضرب یعنی
 زده است او ، زیرا زدن چیزی است که از ضارب تجاوز میکند و به مضروب
 واقع میشود .

تبصره - مناسبتر آن است که در باب لازم قائل شویم به صفت و موصوف
 لکن در باب متعدی قائل شویم به فعل و فاعل زیرا فعل بمعنی کار است و فعل
 لازم کار فاعل نیست بلکه صفت او است (بدین جهت برای او ثابت است نه از او
 صادر) فعل لازم چون فقط برای فاعل ثابت است و يك طرفی است بنا بر این
 همیشه مبنی للفاعل خواهد بود لکن فعل متعدی چون از فاعل صادر و بر مفعول
 به واقع است و بدو طرف بستگی دارد بدینجهت گاه مبنی للفاعل میشود (که
 فقط دلالت بر فاعل کند) و گاهی مبنی للمفعول میشود (که فقط دلالت بر مفعول کند)

تبصره - فعل مبنی للفاعل را معلوم و فعل مبنی للمفعول را مجهول نیز میخوانند تا اینجا دانستیم که فعل یا لازم است یا متعدی: و فعل متعدی یا معلوم است یا مجهول باز میرسیم به تقسیم دیگر و آن محتاج بمقدمه مختصری است. کلمه فعل مرکب است از سه حرف (ف - ع - ل) این سه حرف را که نام فعل را تشکیل میدهد زنه (به کسر زاء) مینامند (یعنی مقیاس) زیرا تمام افعال با این کلمه سنجیده میشود مثلاً میگویند ضرب بر وزن فعل و میگویند ض، فاء الفعل است زیرا بجای ف واقع شده و ع، عین الفعل است (زیرا بجای ع واقع شده است) و ب، لام الفعل است (زیرا بجای ل واقع شده)

چون معلوم شد کلمه فعل (ف ع ل) زنه است و تمام افعال را با آن می سنجند پس اصل فعل سه حرف و مابقی زائد است لکن گاهی زائد هم عین اصل است که مکرر میشود در این صورت میگوئیم فعل یا مجرد است (که حرف زائد ندارد) یا مزید فیه (که حرف زائد دارد) مجرد هم یا سه حرفی است (که اصل مکرر نشده) آنرا ثلاثی مجرد خوانیم مانند ضرب (بروزن فعل) یا چهار حرفی است آنرا رباعی مجرد مینامیم مانند خرج (بروزن فعل) که لام الفعل آن مکرر شده.

و اما مزید فیه: یا اصل آن (فعل) سه حرفی است که حروف زائده به آن ملحق شده - آنرا ثلاثی مزید فیه گویند یا فعل چهار حرفی است که حروف زائد بآن ملحق گردیده آنرا رباعی مزید فیه نامند.

و تا اینجا فعل تقسیم شد به: ۱ - ثلاثی ۲ - رباعی: مجرد و مزید فیه اینک اقسام هر يك:

اما ثلاثی مجرد. اقسام عقلی آن از ضرب حرکت عین الفعل ماضی در حرکت عین الفعل مستقبل حاصل میگردد:

توضیح اینکه حرکت عین الفعل ماضی یا فتحه است یا کسره یا ضمه، و در هر يك از این سه صورت عین الفعل مستقبل نیز یا مفتوح است یا مکسور یا مضموم: بنا بر این از ضرب سه حرکت عین ماضی (یعنی عین الفعل) در عین مستقبل نه قسم حاصل میشود (لکن قواعد استثنائی یا سماع سه قسم آنرا

ممنوع ساخته پس شش قسم را جایز شمرده باین بیان : (چون اصل این است که مستقبل در حرکت عین مستقل باشد .

بنا بر این ابوابی را که عین مستقبل با عین ماضی در حرکت مغایر باشند آن ابواب را اصول و ابواب موافق را ابواب فروع میخوانند (ابواب فروع که عین مستقبل در فتح و کسر و ضم با عین ماضی موافق است قهراً سه باب میباشد) اما اصول بموجب احتمالات عقلی میبایست شش باب باشند زیرا از ضرب سه حرکت عین مستقبل در سه حرکت عین ماضی (که نه قسم میشود) سه قسم موافق بعنوان فروع خارج میشوند میماند شش قسم مخالف لکن يك باب آن (که ماضی مضموم و مستقبل مفتوح باشد) در عرف لغت عرب شنیده نشده (پس بحکم سماع ممنوع است) دو قسم هم که ماضی مضموم و مستقبل مکسور یا عکس آن باشد قانون ادب عرب آنها را ثقیل می شمارد (زیرا چنانکه عرب در يك کلمه از ضمه بکسره یا از کسره بضمه نمی رود همچنان در دو کلمه ماضی و مستقبل، نیز این روش را جایز نمیدانند) پس در نتیجه - اصول نیز (مانند فروع) منحصر به سه باب میشود .

خلاصه اینکه : ثلاثی مجرد را شش باب است (سه باب اصول و سه باب فروع) و اما رباعی مجرد (بحکم سماع) فقط یک باب است که لام الفعل (که از حروف اصلی زنه است) مکرر میشود مانند د حرج (بر وزن فعلل) .
و اما ثلاثی مزید فیه (که از زیاد نمودن حروف زواید یا تکریر و تشدید حروف تشکیل میشود) ده باب است بقرار زیر :

۱ - باب افعال : از اضافه يك همزه قطع (مفتوحه) تشکیل میشود

۲ - باب تفعیل : از تکرار عین الفعل و تشدید آن حاصل میگردد

۳ - باب مفاعله : از زیاد شدن الف (ساکن) بین فاء الفعل و عین الفعل

ریخته میشود

۴ - باب افتعال : از زیادت همزه وصل (مکسوره) در اول و تا - بین

فاء الفعل و عین الفعل تشکیل میشود

۵ - باب انفعال : از اضافه همزه وصل و نون در اول - حاصل میگردد

- ۶ - باب تفاعل : از افزایش تا در اول و تکریر (و تشدید) عین الفعل ریخته میشود
- ۷ - باب تفاعل : از زیاد شدن تا در اول و الف بین فاء الفعل و عین الفعل تشکیل میشود .
- ۸ - باب افعال : از زیادت همزه وصل در اول و تکریر (و تشدید) لام الفعل حاصل میگردد .
- ۹ - باب افعال : از افزایش همزه وصل در اول و الف بین عین الفعل و لام الفعل و تکریر (و تشدید) لام الفعل ریخته میشود
- ۱۰ - باب استفعال ؛ از اضافه همزه وصل و سین و تا در اول تشکیل میشود . و اما رباعی مزید فیه (بحکم سماع) سه باب است بدینقرار :
- ۱ - باب افعال (بتشدید) : از زیادت همزه وصل و تکریر (و تشدید) لام الفعل اول تشکیل میشود .
- ۲ - باب افعال : از اضافه همزه وصل در اول و نون بین عین الفعل و لام الفعل حاصل میگردد
- ۳ - باب افعال : از تکرار عین الفعل و افزایش همزه وصل در اول و واو بین دو عین الفعل ریخته میشود .
- پس مجموعه ابواب ثلاثی و رباعی (مجرد و مزید فیه) همین بیست باب نامبرده است .
- (ابواب نادره ای نیز بنام ملحقات) هست که در پایان مطالب یاد مینمائیم . تقسیمات فعل به اخباری و انشائی ، لازم و متعدی ، ثلاثی و رباعی (مجرد و مزید فیه) و نقل ابواب بیستگانه بپایان رسید .
- تا اینجا اصول اقسام بوده اکنون نوبت اقسام فرعی (شایخ و برگهای اقسام مذکور) میباشد .
- فعل واقعی عرضی است قائم بذات فاعل بنا بر این صفاتی که اکنون ذکر مینمائیم صفات فاعل است که فعل هم به تبع آن منقسم میگردد . اینک اوصاف فاعل (یا اقسام فعل) :

فعل اگر فاعل آن یکنفر است : آنرا مفرد گوئیم ، و اگر دو نفر است آنرا تشبیه نامیم ، و اگر سه نفر یا بیشتر است : آنرا جمع خوانیم (در فارسی تشبیه و جمع یکی است) و نیز فاعل (هر يك از این سه قسم باشد) یا مرد است آنرا مذکر و یا زن است آنرا مؤنث گوئیم . پس از ضرب آن سه قسم در این دو قسم - شش قسم حاصل میشود .

و نیز فاعل فعل ، یا متکلم است یا مخاطب یا غایب میباشد .

در این صورت اگر آن شش قسم را در این سه قسم نیز ضرب نمائیم هیجده قسم حاصل میشود لیکن عرب در متکلم مذکر و مؤنث همچنان تشبیه و جمع را یکسان استعمال نموده بدینجهت چهار قسم متکلم از بین میرود و میماند دو قسم آن پس شش مغایب و شش مخاطب و دو متکلم مجموع چهارده صیغه میشوند (صیغه یعنی ریخته شده زیرا در فن تصریف ماده کلمه در قالبهای صور ریخته میشود) .

تبصره دو صیغه متکلم یکی را (که تنها است) متکلم و حده - دیگری را (که با غیر است) متکلم مع الغیر مینامند پیش از این : هنگام تقسیم فعل به اخباری و انشائی معلوم شد که فعل هفت وجه است چهار وجه آن اخباری (ماضی - مستقبل - جحد - نفی)

و سه وجه آن انشائی (امر - نهی - استفهام) میباشد اکنون میخواهیم بگوئیم آن چهارده صیغه در هر يك از این هفت وجه جاری - و این هفت وجه نیز در تمام بیست باب مذکور (و ملحقات آن) جاری میباشد . اینک علائم صیغ چهارده گانه در وجوه هفتگانه ذکر میگردد :

علائم صیغ چهارده گانه (در وجوه هفتگانه) بترتیب بقرار زیر است :

علائم صیغ فعل ماضی (صیغ جمع صیغه است)

اما شش صیغه غائب و غایبه :

مفرد مذکر مغایب : علامت ندارد

۲ - تشبیه مذکر مغایب : الف (ا) در آخر دارد ۳ - جمع مذکر مغایب

واو (و) ماقبل مضموم در آخر دارد ۴ - مفرد مؤنث مغایبه : تاء (ت) ساکنه

در آخر دارد ۵ - تثنیه مؤنث مفاویه : تاو الف (تا) در آخر دارد ، ۶ - جمع مؤنث مفاویه : نون (ن) مفتوحه ما قبل ساکن در آخر دارد .
و اما شش صیغه حاضر و حاضره (مخاطب و مخاطبه) :

- ۱ - مفرد مذکر مخاطب : تاء (ت) مفتوحه ما قبل ساکن در آخر دارد
- ۲ - تثنیه مذکر مخاطب . تما (بضم تا) ما قبل ساکن در آخر دارد ۳ - جمع مذکر مخاطب : تم (بضم تا) ما قبل ساکن در آخر دارد ۴ - مفرد مؤنث مخاطبه : تاء (ت) مکسوره ما قبل ساکن در آخر دارد ۵ - تثنیه مؤنث مخاطبه : مانند تثنیه مذکر مخاطب است ۶ - جمع مؤنث مخاطبه تن (بضم تا و تشدید نون) ما قبل ساکن در آخر دارد و اما دو صیغه متکلم :

- ۱ - متکلم و حده : تاء (ت) مضمومه ما قبل ساکن در آخر دارد ۲ - متکلم مع الغیر : نا (ن-ا) ما قبل ساکن در آخر دارد .
 - ۲ - علائم فعل مضارع (مستقبل) بطور کلی :
- مخفی همانند که فعل مضارع در اوائل صیغ دارای حروفی است که آنرا حروف مضارع مینامند .

و آن چهار حرف است (۱ - ی - ۲ ی - ۳ ت - الف - ۴ ن) ۱ - ی ، بر سر چهار صیغه (یکم - دوم - سوم - ششم) داخل میشود ۲ - ت ، بر سر هشت صیغه (چهارم - پنجم - هفتم - هشتم - نهم - دهم - یازدهم - دوازدهم) داخل میشود .
۳ - الف ، بر سر یک صیغه (سیزدهم) داخل میشود ۴ - ن ، بر سر یک صیغه (چهاردهم) داخل میشود .

اصل این حروف در مضارع همه ابواب یکی است لکن با این تفاوت که در تمام ابواب این حروف مفتوح میباشند به استثنای سه باب (۱ - افعال ۲ - تفعیل ۳ - مفاعله) که در آن سه باب مضموم میباشند پس علائم فعل مضارع را به اعتبار حروف آن (و حرکات آنها) در اول صیغ شناختیم ، میماند حروف و حرکات آخر صیغ ، ضمناً نا گفته نماند که فعلاً از حرکات وسط صیغ (چون در ابواب مختلف میشوند) صرف نظر مینمائیم حرکات آخر و علائم (مفرد - تثنیه - جمع) مذکر مؤنث (را که کلیت دارند اول ذکر مینمائیم) تا بعد نوبت به مختصات ابواب برسد